

او گفته این نحوه برخورد عاقبتی جز مقابله مردم با آنان نخواهد داشت؛ خطر خیزش گرسنگان را بیش از دیروز حس می کنم و دلم می سوزد نظام آسان از دست برود.

احمدی نژاد در دیدار فرمانده قرارگاه ثارالله؛



ارگان رسانه‌ای احمدی نژاد ادعای کرد که سردار نجات، فرمانده قرارگاه ثارا و مسئول امنیت شهر تهران به خانه احمدی نژاد رفته و به او توصیه کرده سکوت اختیار کند.

به گزارش اسپادانا خبر، **دولت بهار** با اعلام این خبر به نقل از حسین نجات گفته تمایلی به بازداشت حامیان احمدی نژاد که افرادی حزب الله و انقلابی هستند وجود ندارد.

احمدی نژاد اما به صورت شفاهی و مکتوب مواردی را به اطلاع نجات رسانده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم عجل لوليک الفرج والعافية والنصر واجعلنا من خير انصاره واعوانه والمستشهدين بين يديه

امروز به معنای واقعی، اوضاع کشور خراب است. وضعیت اقتصادی، فاجعه بار و وضعیت اجتماعی در آستانه فروپاشی و شرایط فرهنگی به لحاظ از هم گسیختگی، غیرقابل وصف است. وضعیت امنیتی نیز به گونه‌ای است که جریان نفوذ در اعماق کشور ضربات سنگین وارد می‌کند. هم ضعف هست و هم خیانت. امروز اگر مشارکت پایین باشد که با وضع فعلی قطعی است، آثار داخلی و بین المللی گسترده دری دارد به طوری که زمین خواهیم خورد و دیگر نمی‌شود دویاره بلند شد. عده‌ای به جد دنبال رد صلاحیت من هستند. چرا باید مرا رد کنند؟ چنین حقی را هیچ کس ندارد و من این عمل ناچر را هرگز نه تایید و نه در برابر آن سکوت می‌کنم. مسئول وضعیت اخیر هم دولت و هم حکومت است ولی اگر من رد صلاحیت بشوم و وضعیت بدتر بشود که صد درصد خواهد شد، مردم دیگر این را از چشم دولت نمی‌بینند بلکه فقط آن را از چشم حکومت خواهند دید. من در این ارتباط هیچ مسئولیتی ندارم. هر کس در این تصمیم نقش دارد و شریک است در این کار هم پیش خدا و هم پیش مردم، مسئول خواهد بود. جواب دادن، الان هم سخت است ولی در آینده خیلی سخت تر بلکه ناممکن خواهد بود. وضع کشور همه جوره بد است و البته هیچ وقت اینقدر بد نبوده است. با ادامه این روند، وضع با سرعت زیاد، خیلی بدتر می‌شود. دشمن به این نتیجه رسیده است که شرایط برای گرفتن امتیازات سنگین از نظام کاملاً فراهم شده است. از کلام و رفتار آنها کاملاً پیداست که بسیار امیدوار شده اند و باور کرده اند که نظام به زودی تسلیم می‌شود. فکر می‌کنم قبل از انتخابات، توطئه جدیدشان در مذاکره شکل بگیرد. آنها منتظرند که نظام در این مرحله عقب نشینی بکند، بعد به طور سنگین روی حقوق بشر و مسائل نظامی فشار خواهند آورد. با ادامه فشار اقتصادی شدیدتر و اساسی تر و با توجه به دور شدن مردم از نظام که هر روز در حال بیشتر شدن است، هم انحلال سپاه و هم حذف نظارت شورای نگهبان و همچنین انتخابات با نظارت خارجی را خواهند خواست و بعد هم که معلوم است کار را در مسیر تغییر نظام و رفراندوم می‌اندازند. خیلی از آقایان در داخل هم نه تنها با انحلال سپاه و انتخابات آزاد موافقند بلکه به بیرون خط می‌دهند که این مسیر را بروند. این مسائل را دیر و دور نبینید. اگر وضعیت به همین ترتیب پیش برود در زمان کوتاهی، این‌ها به طور جدی مطرح می‌کنند. اصل مردم هستند. چرا این واقعیت را نمی‌بینند؟ با فاصله گرفتن از مردم نمی‌توان آنها را دور زد. اگر هستیم با مردم هستیم و گرنه نمی‌توانیم بمانیم. در این هیچ تردیدی نیست. کمک و نصرت الهی هم وقتی خواهد بود که با مردم باشیم. مردم از من انتظار ندارند که ظلم را پیذیرم و سکوت کنم. چرا باید خودم را در این سیاست‌ها و در مسیر فروپاشی شریک کنم؟ من طاقت عذاب چنین گناه عظیمی را ندارم. چطور می‌توانم این‌ها را ببینم و سکوت کنم و تازه از من می‌خواهند با آنها همراهی هم بکنم. من نمی

توانم بدیختنی مردم را ببینم و سکوت کنم. مردم مسائلی را به بنده می گویند که آدم شرم می کند. جامعه در حد انفجار است. برای اولین بار در تاریخ انقلاب و حتی قبل از انقلاب است که مردم به انجاء مختلف از یک نفر (این خادم ملت) به طور گسترده خواسته اند تا در انتخابات ورود کنم. مردم هر روز مقابل خانه بنده حضور پیدا می کنند، طومار می نویسند، تلفن می زنند، نامه می دهند، پیام می فرستند، نذر و دعا می کنند و مرا به مقدسات قسم می دهند و اصرار می کنند که در انتخابات شرکت کنم. مرا به خاطر اینکه شاید کنار بروم تهدید به لعن می کنند و مرتبا می گویند اگر ما را دوست داری باید به میدان بیایی و تا آخر بمانی. می گویند اگر نظام را دوست داری بازهم باید در میدان بمانی چون اگر کناره بگیری ما در انتخابات فقط حق مردم است و هیچکس در این مساله جز به عنوان عضوی از مردم، حق اضافه ندارد و نمی تواند برای مردم تعیین تکلیف نماید. نایدیه گرفتن حق مردم گناه بسیار بزرگ و نابخشودنی است. عقویتش هم سخت است. خیلی زود هم در همین دنیا و هم در روز قیامت.

او آورده است:

من چرا باید رد شوم؟ به چه گناهی؟ آیا به سزای ایستادگی پای ارزش ها و آرمانهای انقلاب؟ آیا به سزای تلاش برای نشان دادن کارامدی شعارهای انقلاب، خدمت به مردم و به سزای سر دست گرفتن شعائر؟ کسانی که می خواهند مرا رد کنند، خودشان جواب ملت را بدهنند. آیا از من انتظار دارند به خاطر رد صلاحیت خودم برای آنها هورا بکشم؟ همانطور که در صحبت های روز ثبت نام گفتم برای اجایت خواست میلیونی مردم آمد. هیچ انگیزه شخصی نداشته و ندارم اما نمی توانستم به این همه محبت مردم ناسیاسی کنم. نمی توانستم در وقت کمک طلبیدن مردم، دست رد به سینه آنها بزنم. نمی توانستم به هشدارها، تذکرات و اخطارهای آنها از وضع مملکت بی اعتنا باشم. من آمدم تا به عهدی که با خدا، پیامبر(ص)، امام زمان(ع)، انقلاب و مردم دارم وفا کنم. بنده رفیق نیمه راه مردم نیستم که در میانه راه عهد خودم را بشکنم. اگر نمی آمدم خلاف مردانگی بود ولی حالا برگشتن از میانه راه، یک ناجوانمردی آشکار و بزرگ است. این از احمدی نژاد به دور است که مردم را در میانه راه تنها بگذارد. همانطور که در صحبت های روز ثبت نام گفتم تا آخر پای کار مردم و انقلاب هستم و ذره ای از آن کوتاه نخواهم آمد و همانطور که به آنها قول دادم در صورت رد صلاحیت از هیچ نامزدی حمایت نخواهم کرد و تا پای جان خواهم ایستاد و دلیل رد صلاحیت و مسئولیت عوایق آن را از عوامل رد صلاحیت، آشکارا و علی‌مطالبه خواهم کرد. من همانطور که روز ثبت نام گفتم تجمعات و حرکت های اعتراضی را به خاطر رد صلاحیت تایید نمی کنم. بارها پس از آن سخنرانی نیز این مطلب را صراحتا گفته ام و بازهم خواهم گفت اما عاملان رد صلاحیت بدانند که این نحوه برخورد با مردم عاقبیتی جز مقابله مردم با آنان نخواهد داشت. چنانکه با نگرانی روز افزون، خطر خیزش گرسنگان را هر روز بیش از دیروز حس می کنم و دلم می سوزد که نظام و انقلاب که خون صدها هزار نفر به پایش ریخته شده به آسانی و به این ارزانی به خاطر جهالت و یا بی مسئولیتی برخی از دست برود. بنده چگونه می توانم شاهد این صحنه دلخراش باشم و بی تفاوت بمانم؟ چگونه می توانم شاهد بدیختنی ملتی باشم که به امام(ره)، اعتماد کرد، فرمانش را شنید و پای انقلاب و نظام ایستاد و حال نامید و خسته، متیر رفتار مسئولان شده است؟ آیا می توان تمسخر کوتوله های سیاسی شرق و غرب و ریشخند حکمرانان حقیر دست نشانده قدرت های بزرگ را نسبت به مردم، نظام و انتقام مشاهده و آن را تحمل کرد؟ من همواره به سوگنهای خود، وفادار و به حفظ کیان اسلام، انقلاب، نظام، مردم و کشور عزیزم همواره پاییند و متعهد بوده و خواهم ماند. بنده برای نجات کشور و تغیر وضع زندگی مردم آمده ام. اینجانب با علم به وضعیت دشواری که در ابعاد مختلف شکل گرفته، معتقدم که ظرفیت های زیادی در کشور برای بروز رفت از این وضعیت وجود دارد و عمیقا باور دارم که می توان با انجام برخی برنامه های اصلاحی و اجرای چند طرح مهم اقتصادی، امید را در جان مردم زنده کرد و فضای کشور را از احساس سیرقهرا برای به سوی پیشرفت و تعالی تغییر داد. با مجموعه ای از سیاست های منسجم و همه جانبه، هم در بعد داخلی و هم در بعد خارجی، می توان حرکت سریع به سوی پیشرفت و جلب رضایت مردم از نظام و انقلاب را عملی کرد. قدرت الهی را که پشتوانه اصلی انقلاب و نظام است باید در متن مردم جست و جو کرد. مردم عیال خدا هستند. افیانوس زلال مردم هر ناپاکی را پاک می کند. قدرت ملی ایران کم نظریز است. به پشتوانه آراء، اراده و حمایت مردم، می توان کشور و انقلاب را از دهان قدرت های طمعکار جهانی رهانید. فقط با مشت ملت می توان بر دهان زیاده خواهان کویید و فقط با فریاد رسای ملت می توان دهان یاوه گویان را بست. باید بکار دیگر در بازگشت به ملت، شعارهای انقلاب را زنده کرد و یک بار دیگر مردم را به آینده کشور و نظام امیدوار ساخت. یک بار دیگر مثل روزهای سخت انقلاب نشان دهیم که عدالت، ازادی و حقوق ملت، همان حقیقت دین و بویژه اسلام است بدین ترتیب است که استقلال برقرار و جمهوری اسلامی پایدار می ماند. باید نشان دهیم که "احترام به مردم، توجه به حقوق آنان، حساسیت در برابر زیاده خواهی، تبعیض، رانت و فساد و اشرافیت"، عین "انقلابی گری" است. من برای تشکیل یک دولت انقلابی و اسلامی آمده ام، دولتی که بار دیگر شعارهای انقلاب را سردست بگیرد و انقلاب را به ریل بازگرداند البته روشن است و نیاز به گفتن ندارد که فکر انقلابی و ارزشی حتما مخالف و حتی دشمنانی در داخل و خارج دارد که برای از میدان به در کردن بندۀ از هر روش و امکانی استفاده می کنند. در رسال ۱۳۸۴ مخالفین من تلاش بسیاری کردن تا با یک بازی سیاسی، مانع از ورود من و افکار انقلابی و ارزشی، به عرصه مدیریت بالای کشور بشوند که به لطف خدا و بیداری مردم، توطئه آنها بی نتیجه ماند. آنها انتظار داشتند که با افکار و طرحهای انقلابی - اسلامی نتوان کشور را اداره کرد و آشکارا می گفتند که دولت جدید و انقلابی، شش ماه بیشتر دوام نمی اورد اما وقتی دیدند دولت، سرحال و قدرتمند به پیش می رود و با همبستگی بین مردم و نظام، راه پیشرفت و خدمت، هرچه گسترده می شود، شروع به کارشکنی کردن تا جایی که در سال ۸۸ وقتی دیدند امکان رقابت ندارند به قصد دعوا و جدال آمدند که بازهم به لطف خدا و بیداری مردم شکست خوردن. به مدد مهندسی انتخابات در سالهای ۹۲ و ۹۶ قدرت را برای دو دوره در دست گرفتند ولیکن برخلاف ادعاهایشان، بدترین و ناسالم ترین وضعیت و بلکه فاسدترین نوع مدیریت را به نمایش گذاشتند و به شدت از مردم فاصله گرفتند و اکنون در رسال ۱۴۰۰ از نظر محبوبیت در پایین ترین سطح ممکن نیز قرار گرفته اند. آنان اطمینان دارند که امکان رقابت با کاندیدای مورد نظر ملت را به هیچ وجه ندارند و با هیچ شعاری نمی توانند بین مردم و کاندیدای موردنظر مردم فاصله گشته باشند. آنها لاجرم در نشست های درون گروهی خوبیش و مشاوره با حامیان خارجی خود به این نتیجه رسیده اند که چاره ای جز حذف فیزیکی نامزد ملت و یا رد صلاحیت او نمانده است. از این رو بنا را بر این گذاشتند که به هر ترتیب ممکن مانع از حضور بندۀ در انتخابات شوند و در این راه البته به جهالت و حسادت عده ای نیز طمع دارند. آنان به طور معنا داری تلاش می کنند تا

بنده را به عنوان ایوزبیسون نظام، براندار و ... معرفی نمایند و انتقادات مطرح شده از سوی بنده را ساختار شکنانه و به قصد سرنگونی نظام معرفی نمایند. اینگونه توطئه ها در تاریخ، همواره به دست بازی خورده‌اند محقق شده است، که امید می‌رود در پرتو هدایت اهالی انقلاب بی نتیجه بماند. بدیهی است چنانچه آنها در طمع خود به جهالت و حسادت بی نصیب بمانند، آنگاه در مرحله بعدی ، به ضرب رای ملت شاید که هوشیار گردند. اختلاف نظر و مخالفت با اینجانب چه از بابت افکار و تکیه بر ارزش ها و آرمانها و اهداف و چه از جهت روش مدیریت، امری طبیعی و قابل قبول است ولی تلاش برای حذف و رد صلاحیت قابل قبول نیست. اگر کسانی بر این اعتقادند که من نباید در عرصه مدیریت کشور حضور داشته باشم، بسیار خوب می‌توانند معتقد باشند ولی راه حذف من از طریق اعمال دموکراسی، شدنی است. این راه، درست، قانونی و کم هزینه است که مورد قبول همه ملت ایران است.

و اما سخنی با شما:

من در دوران دولت های نهم و دهم کمک های بسیاری به سپاه از جهات مختلف انجام دادم و بارها به خاطر این کار از سوی گروههای سیاسی و مخالفین داخل و خارج شمات شدم اما دولت روحانی کمک ها را قطع کرد و محدودیت هم بوجود آورد.

دولت روحانی در چهار سال اول به طور مکرر هرچه می‌خواست علیه ما گفت. چرا سپاه و رسانه هایش هیچ حمایتی از ما نکردند و بر عکس، همسو با آنان علیه ما تبلیغات سوء انجام دادند؟

من همیشه به فکر بچه های سپاه بودم. حتی وقتی شب عید، اطلاعات سپاه پول برای پرداخت حقوق پرسنل نداشت به آنها پول رساندم اما به جایش آقای بقایی که رحمت این کار را کشیده بود به انهام واہی حیف و میل بیت المال دستگیر و محکوم می‌کند و بلای سرش می‌آورند که روزانه دهها قرص اعصاب می‌خورد و نمی‌تواند تعادلش را در راه رفتن حفظ کند و از انجام امور شخصی و خانوادگی خود ناتوان است و برادر دیگرم آقای مشایی را آنقدر تحت فشار قرار دادند که امروز در نقطه نامعلومی در شمال کشور خود را از جامعه کنار کشیده و به تنها زندگی می‌کند. دولت فعلی در حال چاول اموال ملت است اما برخوردي صورت نمی‌گیرد، ببینید با دو تن از اطرافیان من چه کردند؟ یکی را روانه بیمارستان اعصاب یعنی تیمارستان کرده اند و دیگری را هم مجبور ساخته اند از ما جدا شده و گوشه عزلت برگزیند.

ما در موضوع هسته ای برای کشور افتخار آفریدیم اما دولت روحانی برنامه های هسته ای را تعطیل و به بهانه یک توافق نافرجام، صنعت هسته ای را به رایگان حراج کرد.

در دوره دولت من، مردم ایران، راضی، خوشحال و امیدوار به آینده بودند اما اکنون در وضعیت بسیاری بدی به سر می‌برند.

اطمینان دارم که کشور را می‌توان نجات داد و من کاملا برای کار توانا هستم و برنامه دارم و می‌دانم که چگونه کشور را باید اداره کنم.

نیروهای انقلابی مطمئن باشند که روند را در کشور به سمت صلاح و پیشرفت تغییر خواهم داد و بار دیگر ارزشها انقلابی و دین در اوج خواهد بود.

به سرعت رضایتمندی مردم را جلب خواهم کرد.

دوستان انقلابی هیچ نگرانی از بابت نیروهای اصلاح طلب و یا افرادی از خارج کشور و یا قدرت خارجی نباید داشته باشند. دولت اسلامی و انقلابی خواهد آمد و با تکیه بر لطف خدا و مردم مومن و متعهد از همه موانع عبور کرده و با تکیه بر آرمان ها و ارزش های انقلابی و دینی مشکلات را از پیش رو برخواهد داشت و جریان سلطه قدرت ها در منطقه را به سود ملت های منطقه و مقاومت تغییر خواهد داد.

منع| دیده بان ایران

برچسب ها: انتخابات [1]

سپاه باسداران [2]

احمدی نژاد [3]

اعتراض [4]